

دو کشور ایران و روسیه همسایگانی بوده اند که در طول قرون متمادی با یکدیگر ارتباط داشته اند. در ابتدا این روابط محدود و در حد مناسبات اقتصادی و تجاری بوده است اما هر چه که از عمر این روابط گذشت ارتباطات این دو کشور نیز به سایر عرصه ها گسترش پیدا کرد. این کشور در دوران تزارها قدرتمند شد و شاید بارزترین نمود این قدرت جدا کردن بخش های شمالی سرزمین ایران و ضمیه کردن آن به قلمرو خود باشد. پس از آن روسیه تزاری در سایر شئون کشور ایران نیز دخالت کرد. بخشی از سرنوشت تاریخ ایران در رقابت روسیه و انگلیس بر سر مسائل داخلی ایران رقم خورد. مهمترین دخالت روسیه در امور داخلی ایران را می توان به توپ بستم مجلس ایران و کمک به ادامه استبداد شاهنشاهی دانست. پس از انقلاب شوروی، در ابتدا این گونه به نظر می رسید که این همسایه پر خطر به یک دوست آرام تبدیل شده اما با آغاز به کار گروه های مارکسیستی در ایران مشخص شد که ابزار نفوذ او تغییر کرده است. عدم تخلیه ایران توسط قوای شوروی علی رغم پایان پذیرفتن جنگ جهانی دوم عملکرد متجاوزانه شوروی بود که با تدبیر سیاستمداران ایرانی به خوبی پایان پذیرفت. با توجه به اینکه ایران در طول دوران شاهنشاهی پهلوی دوم در بلوک غرب قرار گرفته بود رابطه سیاسی دو کشور زیاد نبود اما ارتباطات اقتصادی همچنان ادامه داشت. با وقوع انقلاب اسلامی روابط دو کشور بسیار محدودتر از قبل شد تا اینکه در اواخر جنگ شرایط خاصی که برای ایران وجود داشت باعث شد که ایران به روسیه نزدیک شود.

پس از فروپاشی شوروی منطقه حائلی میان دو کشور از قفقاز تا آسیای مرکزی به وجود آمد که شامل سرزمینهایی است که تا سده ها در قلمرو سیاسی و فرهنگی ایران بوده و به خاطر این قضیه از ابتدا تصور می شد که ایران می

تواند نفوذ قابل ملاحظه ای در منطقه داشته باشد و از سوی دیگر این سرزمینها در دکترین امنیت ملی و نظامی روسیه به عنوان "خارج نزدیک" در شمار حیات خلوت و حوزه منافع حیاتی مسکو قرار دارند. اما دو کشور با تاکید بر سیاستهای عملگرایانه روبروی هم قرا نگرفته اند.

پس از استقلال این جمهوریها با درجات متفاوت به دنبال استقلال عمل از روسیه بوده اند اما همچنان زوسیه تنها کشوری است که بیشترین تاثیر را در این جمهوریها دارد و این کشورها ناگزیر از لحاظ کرئن روسیه در مناسبات خود و شئون مختلف کشورشان می باشند.

در دوره پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تحولی در تعاملات امنیتی امریکا و روسیه روی داد که بر رابطه ایران و روسیه نیز تاثیر گذاشت. در این رابطه می توان به تاکید آشکا روسیه بر غیر عملی بودن راه حل ایران برای دریای خزر، انجام رزمایش در دریای خزر با وجود تاکیداتی که ایران طی سالهای متوالی بر غیر نظامی بودن آن کرده بود و تداوم و تحکیم توافقات دو جانبه و قرار دادن ایران در مقابل عمل انجام شده قرار داد. روسیه نسبت به عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای روی خوشی نشان نداد و در مورد خطوط انتقال انرژی نیز دو کشور با وجود توافق بر سر جلوگیری از ایجاد خطوط شرقی غربی هیچ توافقی برای بهره گیری از موقعیت جغرافیایی یکدیگر نکردند. تا جایی که روسیه بیشتر به انحصار خطوط انتقال انرژی برای رسیدن به موقعیت "ابر قدرت انرژی" اندیشیده است. روسیه به حوزه نفوذ خود در منطقه خارج نزدیک به عنوان یک اولویت اساسی می نگرند و آن را دور از دسترس دیگران می خواهند و در

این میان حتی کشورهای همچون ایران تا حدود خاصی به عنوان همکار در نظر گرفته می شوند.

بنابراین پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سوال است که :

سوال اصلی: آیا روابط جمهوری اسلامی ایران و روسیه بر منافع ایران در آسیای مرکزی تاثیر گذاشته است؟

فرضیه اصلی: روابط نزدیک ایران با روسیه در آسیای مرکزی باعث محدودیت در تامین منافع ایران شده است.

متغیر مستقل: سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

متغیر وابسته: تامین منافع ایران در آسیای مرکزی

روش پژوهش: در این پژوهش از روش های توصیفی و تحلیلی بهره می گیریم. در ابتدا به توصیف رابطه ایران و روسیه می پردازیم و سپس منافع هر یک از این دو کشور در منطقه را بررسی می کنیم و در آخر تحلیلی درباره تاثیر این رابطه بر منافع ایران در منطقه آسیای مرکزی ارائه می گردد.

زمان پژوهش: پس از جنگ سرد تا پایان دوره ریاست جمهوری پوتین.

حوزه جغرافیایی پژوهش: ایران ، روسیه و آسیای مرکزی.